

مجله حقوقی داور  
دو فصلنامه دانشمویان دانشکده حقوق  
دانشگاه شهید بهشتی  
سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۴  
ص ۷۴-۸۶

## مسأله ابلاغ به شخص خوانده در غیر نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه

عباس پهلوزاده\*

### چکیده

ابلاغ اوراق قضایی به شخص خوانده، در نشانی غیر از آنچه در ابلاغ نامه، تعیین گردیده، از جمله موضوعاتی است که بطور عمیق، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. در خصوص اینکه چنین ابلاغی، فی الواقع و قانوناً، صحیح می باشد یا خیر، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. در این مقاله سعی شده است با توجه به اصول حقوقی و قوانین موجود، ضمن بیان عقاید مختلف و رویه قضایی، پاسخی روشن و شایسته برای مسأله مذکور پیدا نمود.

### واژگان کلیدی

ابلاغ، ابلاغ قانونی، ابلاغ واقعی، استنکاف، اوراق قضایی.

---

\* دانشجوی دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

## مقدمه

از قدم اول که دعوایی اقامه می‌گردد، دادخواست آن بایست ابلاغ شود. در جریان دادرسی نیز پاسخ‌هایی که اصحاب دعوی رد و بدل می‌نمایند، اخطارها، اقدام‌ها و حکم و قراری که دادگاه صادر می‌نماید، همه و همه، باید به طرفین دعوی با تشریفات قانونی خاص خود ابلاغ شود؛ به عنوان مثال «جلسه دادرسی در صورتی قانونی محسوب می‌شود که اخطاریه اصحاب دعوی با ابلاغ صحیح صورت گرفته باشد و اگر ابلاغ به صورت صحیح انجام نگرفته باشد، دادگاه حق تشکیل جلسه را ندارد و اگر آن را تشکیل دهد، جلسه مزبور قانونی نخواهد بود»<sup>۱</sup>.

مسئله ابلاغ هر چند به عنوان یک امر فرعی در دادرسی جا افتاده، لیکن عملاً در جریان دادرسی، نقشی اساسی و عمده را ایفاء می‌نماید. چه اصل بر این است، تا طرف دعوی از جریان دادرسی مطلع نباشد و یا احکام و قرارها به رؤیت وی نرسد، نمی‌توان آثار حقوقی خاصی بر دعوی مترتب نمود. به همین دلیل است که برخی از حقوقدانان بیان داشته‌اند: «اجرای عدالت و احقاق حق، در دادگاهها، موقوف به ابلاغ دادخواست و ضمائم به خواننده دعوی است»<sup>۲</sup>.

لذا، با توجه به مطالب فوق، ملاحظه می‌گردد که ابلاغ در دادگستری از اهمیت بسزایی برخوردار است و به گفته مرحوم دکتر متین دفتری: «اگر دادگاه از زبردست‌ترین نادرسان تشکیل شود، هرگاه دستگاه ابلاغ آن خوب کار نکند، فلج و دعاوی آن متراکم می‌شود»<sup>۳</sup>. حال، با روشن شدن اهمیت ابلاغ، مناسب به نظر می‌رسد مسئله مورد نظر مطرح گردد. موضوع مورد بحث این است که اگر مأمور ابلاغ موفق شد، شخص خوانده را در غیر نشانی که در ابلاغ نامه قید شده ملاقات نماید و امر ابلاغ را انجام دهد، لکن خوانده از گرفتن اوراق استتکاف نماید، تکلیف چنین ابلاغی چیست؟ آیا محدودیتی برای مأمور ابلاغ در

<sup>۱</sup>- واحدی، دکتر جواد، جلسه اول دادرسی و خصوصیات آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۸، پاییز ۱۳۷۶، ص ۷۴.

<sup>۲</sup>- واحدی، دکتر قدرت الله، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات پایدار، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۷۳.

<sup>۳</sup>- متین دفتری، دکتر احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۴۲.

خصوص مکان ابلاغ وجود دارد؟ و آیا بر چنین ابلاغی، آثار قانونی و حقوقی مترتب می‌باشد؟

در این مقاله سعی بر آن شده، با توجه به فحوای کلام مقنن، پاسخ مسأله بطور کامل روشن شود. لذا این مقاله را به دو گفتار تقسیم کرده، در گفتار اول به طرح مسأله، معانی لغوی و اصطلاحی ابلاغ و اقسام ابلاغ خواهیم پرداخت و در گفتار دوم، نظریات مختلف را بیان نموده و در نهایت سعی خواهد شد، با تکیه بر تحلیل قواعد حقوقی و با کاوش در روح و فضای قواعد و اصول حقوقی، راه حل مسأله را از لابلای مواد قانونی استنتاج نماییم.

### گفتار اول: ابلاغ قانونی و طرح مسأله

ابلاغ در لغت به معانی رسانیدن، ایصال و گذاردن (پیام) آمده است.<sup>۴</sup> معنای اصطلاحی ابلاغ از معنی لغوی آن دور نمانده و می‌توان آن را چنین بیان داشت که ابلاغ، مطلع ساختن طرف دعوی از اوراقی است که مرجع قضایی یا رأساً آنها را صادر می‌نماید و یا به درخواست یکی از طرفین دعوی، به عبارت دیگر ابلاغ در اصطلاح، «مطلع ساختن مخاطب از مفاد ورقه قضایی طبق تشریفات قانونی می‌باشد».<sup>۵</sup>

با نگاهی به مواد قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان ابلاغ را به دو قسم تقسیم نمود: ابلاغ واقعی و ابلاغ قانونی.

ابلاغ وقتی واقعی است که اوراق قضایی، اعم از دادخواست و غیره، به شخص خوانده دعوی که خواهان او را مشخص و معین نموده، «تسلیم» شود و در مورد اشخاص حقوقی، به کسانی که طبق قانون صلاحیت اخذ اوراق را دارا می‌باشند، به عبارت دیگر ابلاغ واقعی، ابلاغ به شخصی است که غایت ابلاغ، «اطلاع یافتن» او است.

در صورتی که ابلاغ اوراق قضایی به طریق فوق ممکن نباشد و به اشخاص دیگری که طبق قانون مشخص شده‌اند تسلیم شود، ابلاغ قانونی محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، ابلاغ وقتی قانونی است که به شخص هدف ابلاغ، ابلاغ نشده باشد یعنی «به اطلاع او نرسیده است».

<sup>۴</sup> - دهخدا، مرحوم علی اکبر، لغت‌نامه، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۲، ص ۱۲۷.

<sup>۵</sup> - شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ش ۱۲۰.

همچنانکه ملاحظه گردید، آنچه در امر ابلاغ دارای اهمیت ویژه می‌باشد، «اطلاع یافتن» خواننده دعوی از اوراق قضایی است یعنی خواننده، از دعوایی که علیه او اقامه شده، «آگاه» شده و دفاعیاتی را که برای خود در دعوی مطروحه لازم می‌داند، تدارک ببیند.

لذا، مبنا و فلسفه امر ابلاغ، صرفاً مطلع شدن خواننده از اوراق قضایی و مهیا نمودن خود در پاسخ به ادعای خواهان می‌باشد، نه امر دیگری. البته، بدیهی است، رسیدن به این نتیجه، با ابلاغ واقعی، بهتر محقق خواهد شد، زیرا در ابلاغ قانونی هر چند که باطناً شخص خواننده از دعوی آگاه شده، لکن باز در ظاهر نمی‌توان او را آگاه فرض نمود و به همین علت است که در برخی موارد در این نوع ابلاغ ادعای عدم اطلاع از اوراق قضایی، مسموع می‌باشد. نکته شایان توجه این است که خود مقنن نیز به اطلاع یافتن خواننده از اوراق قضایی، اهمیت خاصی داده و به همین لحاظ در مواد ۶۷ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی، ابتدا طرق ابلاغ واقعی و سپس ابلاغ قانونی را بیان داشته است که این خود حاکی از اهمیتی است که مقنن به اولویت «مطلع شدن» خود شخص خواننده نسبت به دیگر اشخاصی که قانوناً محق به گرفتن اوراق مذکور هستند، می‌دهد. البته منظور این نیست که مأمور ابلاغ عمل شاقی انجام دهد و به هر طریق ممکن، اوراق را به شخص خواننده، در هر نقطه‌ای که احتمال می‌رود، تسلیم نماید. بلکه اگر او را می‌شناسد و در خارج از محل سکونت یا اقامت با او برخورد نمود، می‌تواند به این امر اقدام نماید.

### اقسام ابلاغ قانونی

ابلاغ قانونی دارای شقوق زیادی است که موارد آن را صرفاً نام برده و به ذکر و توضیح مورد اول و دوم، که همان مسئله مورد بحث ماست، پرداخته و از توضیح در مورد سایر موارد خودداری می‌گردد:

- استتکاف طرف ابلاغ از دریافت اوراق قضایی
- ابلاغ به اقوام و خادمین طرف ابلاغ
- ابلاغ در صورت استتکاف بستگان و خادمین از دریافت اوراق قضایی
- ابلاغ در صورتی که هیچکس در محل نباشد.

جهت روشن شدن هر چه بهتر پاسخ مسأله مطروحه، ترجیح می‌دهیم ابتدا، ابلاغ به اقوام و خادمین طرف ابلاغ مورد بررسی قرار گیرد و سپس استتکاف طرف ابلاغ از دریافت اوراق قضایی را مورد بحث قرار دهیم.

#### الف: ابلاغ به اقوام و خادمین طرف ابلاغ

طبق ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی «مأمور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خوانده تسلیم کند و در برگ دیگر اخطاریه، رسید بگیرد ...». طبق صراحت این ماده مأمور ابلاغ مکلف است اوراق را به شخص خوانده تسلیم و رسید اخذ نماید. اما به هر حال، این احتمال وجود دارد که مأمور ابلاغ به هر دلیل موفق به تسلیم اوراق قضایی به شخص خوانده نشود. در این صورت تکلیف مأمور ابلاغ چه خواهد بود؟

ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۱</sup> پاسخ این مورد را داده و بیان داشته است که هرگاه مأمور ابلاغ نتواند، به هر دلیل اوراق را به شخص خوانده برساند، باید آن را به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمییز اهمیت اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید.

در این خصوص مسأله‌ای که ممکن است به ذهن متبادر گردد اینکه آیا مأمور ابلاغ می‌تواند در هر مکانی، حتی اگر در غیر نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه باشد، اوراق را به بستگان یا خادمین خوانده ابلاغ نماید یا خیر؟

در پاسخ بدین سؤال ممکن است، با توجه به قید «باید در نشانی تعیین شده» در ماده ۶۹ آیین دادرسی مدنی، بیان گردد که پاسخ مشخص می‌باشد. این ماده اشعار می‌دارد: «هرگاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند، باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمین او ... ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اخطاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند». لذا با توجه به تصریح این ماده ممکن است گفته شود، مأمور ابلاغ «باید» اوراق قضایی را «در نشانی تعیین شده» در ابلاغ نامه به بستگان و یا خادمین خوانده تسلیم نماید و الا لزومی به ذکر «باید در نشانی تعیین شده» در ماده مذکور نبود.

<sup>۱</sup> - ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی: «هرگاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمییز اهداف اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اخطاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده نماید».

در تأیید این نظر می‌توان به آرائی چند از دیوان عالی کشور از جمله رأی شماره ۲۹۳-۲۷/۲/۲۳ شعبه سوم دیوان عالی کشور که بیان می‌دارد: «مطابق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۷</sup> (ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی فعلی)، هرگاه مأمور ابلاغ نتواند دادخواست را به شخص خوانده برساند، باید در محل اقامت او، به یکی از بستگان یا خادمین او ابلاغ نماید. بنابراین ابلاغ به رعیت ملک بدون داشتن سمت مزبور، قانونی نخواهد بود» و نیز حکم شماره ۱۶۸۴-۲۵/۱۰/۳-۲۵ شعبه ۸ دیوان عالی کشور<sup>۸</sup>، حکم شماره ۲۹۵۲۰-۱۹/۹/۱۷-۱ شعبه ۱ دیوان عالی کشور<sup>۹</sup> و همچنین رأی شماره ۴۳۹۸-۲۷/۹/۱۰-۱۰ دادگاه عالی انتظامی قضات<sup>۱۰</sup> که مؤید همین نظر (ابلاغ صحیح نیست) می‌باشد، استناد نمود.

<sup>۷</sup>- ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم: «هرگاه مأمور ابلاغ نتواند دادخواست را به شخص مدعی علیه برساند باید در محل اقامت او به یکی از بستگان یا خادمین او ابلاغ نماید مشروط بر اینکه به نظر مأمور، سن ظاهری این اشخاص برای تمییز اهمیت برگ دادخواست کافی باشد و مشروط بر اینکه بین مدعی علیه و شخصی که برگ را دریافت می‌دارد تعارض منفعت نباشد».

<sup>۸</sup>- «ابلاغ اخطار به کسان طرفین دعوی، وقتی قانونی محسوب است که طبق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۶۹ قانون فعلی)، برگ اخطار در منازل مسکونی اصحاب دعوی، به یکی از بستگان یا خادمین اخطار شده ابلاغ گردد نه در غیر محل سکونت او، (حکم شماره ۱۶۸۴-۲۵/۱۰/۳-۲۵ شعبه ۸ دیوان عالی کشور، برگرفته از: متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، چاپخانه هاشمی، تهران، بی‌تا، بدون سال چاپ، ص ۷).

<sup>۹</sup>-... طبق دستور ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۶۹ قانون فعلی) در موردی که مأمور نتواند اخطار را به شخص خوانده ابلاغ نماید باید در محل اقامت او به یکی از بستگان یا خادمین او ابلاغ نماید. بنابراین اخطار رفع نقص به همسایه دکان دادخواست دهنده که هیچ یک از این سمتها را نداشته، برخلاف این دستور خواهد بود» (حکم شماره ۲۹۵۲۰-۱۹/۹/۱۷-۱ شعبه ۱ دیوان عالی کشور، برگرفته از: حسینی، سید محمد، قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

<sup>۱۰</sup>- «ابلاغ احضاریه از حیث حکم مساوی با ابلاغ دعوی است و می‌بایست در محل اقامت احضار شونده، ابلاغ شود و در موردی که تصدیق مأمور ابلاغ اشعاری به این امر که احضاریه در محل اقامت مدعی علیه، به یک نفر از بستگان و یا یکی از مستخدمینش ابلاغ کرده، نداشته باشد در این مورد، قانونی ندانستن ابلاغ از طرف دادرس، تخلف نیست» (رأی شماره ۴۳۹۸-۲۷/۹/۱۰-۱۰ دادگاه عالی انتظامی قضات، برگرفته از: همان، ص ۶۵).

هر چند در این مورد رویه قضایی به شدت از این نظر حمایت می‌نماید که ابلاغ به بستگان یا خادمین خوانده بایست در نشانی تعیین شده صورت گیرد، لکن پذیرش این عقیده ثقیل به نظر می‌رسد.

ما معتقدیم که چنین شرطی لازم نیست و دلیل آن نیز ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد که بیان داشته، چنانچه اوراق قضایی به «غیر شخص مخاطب» ابلاغ شده باشد «... در صورتی دارای اعتبار است که برای دادگاه محرر شود که اوراق به «اطلاع مخاطب» رسیده است». بنابراین طبق ماده ۸۳، آنچه در امر ابلاغ (به غیر شخص مخاطب) حائز اهمیت می‌باشد، محرر شدن «اطلاع مخاطب» از اوراق قضایی است و نه امر دیگری.

ممکن است ادعا شود، در این صورت بین ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۸۳ قانون مزبور، تعارض پیش خواهد آمد، زیرا از یک طرف ماده ۶۹ مقرر می‌دارد که ابلاغ می‌بایست در نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه صورت گیرد و از طرف دیگر طبق ماده ۸۳، نیازی به ابلاغ در نشانی تعیین شده نیست.

اگر چه ظاهراً این دو ماده با هم تعارض دارند، لکن در واقع چنین نیست، زیرا عبارت «در نشانی تعیین شده» در ماده ۶۹ هر چند با قید «باید» منصوص گردیده، با این حال ناظر به غالب موارد است. بدین معنا که چون غالباً، مأمور ابلاغ، در بدو امر به نشانی مخاطب در ابلاغ نامه، با توجه به سهولت امر، می‌رود، به همین علت قانونگذار بیان داشته که اگر خوانده در آن محل نبود، به خویشان و یا خادمین او نیز در آن محل (اقامتگاه خوانده) ابلاغ نماید و الا خصوصیتی در این امر وجود ندارد.

ممکن است با توجه به این پاسخ ایراد دیگری گرفته شود. بدین بیان که طبق ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ابلاغ به خویشان و خادمین خوانده، مقید به این شرط شده، در نتیجه هر گونه تفسیر مغایر با این ماده در حقیقت اجتهاد در برابر نص می‌باشد که مسموع نیست.

طرح این ایراد نیز قابل قبول نمی‌باشد، زیرا در صورتی نمی‌توان نسبت به مواد قانونی تفسیری غیر از آنچه صریحاً از آن برداشت می‌شود، استنتاج نمود که با توجه به اصول و قواعد حقوقی و یا با عنایت به سایر مواد قانونی، امکان اظهاری خلاف آن وجود نداشته باشد. لکن در مسئله مورد نظر، قطعاً با توجه به ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی و همچنین فلسفه امر ابلاغ که صرفاً اطلاع خوانده از اوراق قضایی می‌باشد، می‌توان تفسیری خلاف ظاهر ماده ۶۹ آیین دادرسی مدنی نمود که طرح این اشکال را بی‌مورد می‌نمایاند.

لذا با توجه به مطالب مذکور به نظر می‌رسد که مأمور ابلاغ ملزم به ابلاغ در نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه به بستگان یا خادمین خوانده نیست و اگر در مکانی دیگر به این امر مبادرت ورزد، چنین ابلاغی «ابلاغ قانونی» محسوب می‌شود.

#### ب: استتکاف طرف ابلاغ (خوانده) از دریافت اوراق قضایی

همچنان که بیان شد، مأمور ابلاغ مکلف است، اوراق قضایی را حداکثر ظرف دو روز به شخص خوانده تسلیم و در برگ دیگر، رسید اخذ نماید. با این حال، این احتمال وجود دارد که شخص خوانده از گرفتن اوراق قضایی امتناع ورزد. ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص تکلیف مأمور ابلاغ را روشن نموده است. طبق قسمت اخیر این ماده «در صورت امتناع خوانده از گرفتن اوراق، (مأمور) امتناع او را در برگ اخطاریه قید و اعاده می‌نماید».

در مورد نوع استتکاف دو وضع قابل تصور می‌باشد؛ یکی اینکه خوانده، دادخواست یا هر برگ دیگر را از مأمور ابلاغ بگیرد و بخواند و از مطالب آن اطلاع حاصل نماید و رسید ندهد و دیگر اینکه اساساً از قبول و دریافت و حتی ملاحظه آن امتناع ورزد.<sup>۱۱</sup> در این خصوص، همچنانکه عبارت ماده ۶۸ آیین دادرسی مدنی صراحت دارد، فرقی بین دو وضع مذکور نیست. لذا بررسی آن لازم به نظر نمی‌رسد.

نگاهی گذرا به مطلب فوق، ذهن را بسوی این مسأله می‌کشاند که آیا برای مأمور ابلاغ در خصوص مکان ابلاغ قید و محدودیتی وجود دارد؟ به عبارت دیگر، محل استتکاف شخص خوانده از گرفتن اوراق قضایی، کجا می‌تواند باشد؟ اگر استتکاف خوانده، در نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه باشد، هیچ اختلافی در این مورد وجود ندارد؛ زیرا با توجه به اینکه ابلاغ در نشانی تعیین شده صورت گرفته و نظر به اینکه خوانده از اوراق قضایی اطلاع حاصل نموده، بنابراین چنین ابلاغی، قانونی محسوب می‌گردد. اما اگر ابلاغ در غیر نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه صورت گیرد، چگونه خواهد بود؟

<sup>۱۱</sup> - مدنی، دکتر سید جلال‌الدین، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات پایدار، چاپ اول، ص ۳۴۶.



## گفتار دوم: ابلاغ قانونی و پاسخ مسأله

در مورد محل استتکاف خوانده از گرفتن اوراق قضایی، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. در حقیقت در خصوص مسأله مذکور دو عقیده اظهار شده که برخی چنین ابلاغی را صحیح و قانونی و برخی دیگر آن را غیرقانونی می‌دانند. ذیلاً این دو نظر بیان می‌گردد:

## الف: بیان عقاید

برخی از حقوقدانان<sup>۱۲</sup> بر این باورند که مأمور ابلاغ می‌بایست به نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه مراجعه نماید و امر ابلاغ را در این مکان به انجام برساند. در این محل است که اگر مخاطب از گرفتن اوراق قضایی امتناع نماید، ابلاغ قانونی محسوب می‌شود و در غیر این محل، مخاطب محق خواهد بود از گرفتن این اوراق خودداری نماید، بدون آنکه عمل او استتکاف و گزارش مأمور ابلاغ، قانونی محسوب گردد.

حقوقدانان مذکور که پیرو عدم صحت ابلاغ می‌باشند و چنین ابلاغی را غیر قانونی می‌دانند، یا دلیلی بر مدعای خود بیان نداشته و یا اگر هم ذکر نموده‌اند، تنها بر مبنای حکم شماره ۱۴۱۳-۱۳۲۸/۸/۳- شعبه سوم دیوان عالی کشور<sup>۱۳</sup> می‌باشد. در این حکم چنین اظهار شده است که اگر اوراق دعوی در غیر نشانی (اقامتگاه) اصحاب دعوی به آنان، عرضه شود و آنها از امضاء و رؤیت امتناع نمایند و مأمور ابلاغ امتناع آنها را تصدیق کند، این ابلاغ درست نبوده و مشمول مواد ۱۰۹<sup>۱۴</sup> و ۱۲۱<sup>۱۵</sup> قانون آیین دادرسی مدنی (قدیم) نمی‌باشد.

<sup>۱۲</sup>- شمس، دکتر عبدالله، همان، ش ۱۴۸، صدر زاده افشار، دکتر سید محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات ماجد، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ مردانی، دکتر نادر، حاتمی، دکتر علی اصغر، بهشتی، محمد جواد، حبیب آگهی، علیرضا، آیین دادرسی مدنی، انتشارات یلدا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۵۰ و ۵۱. البته خود نویسندگان اخیر در پاورقی صفحه ۵۰، به این نظر، معترض می‌باشند و آنرا فاقد دلیل می‌دانند.

<sup>۱۳</sup>- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم، ص ۵

<sup>۱۴</sup>- ماده ۱۰۵ آیین دادرسی مدنی قدیم: «اگر مدعی علیه در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشد، دادخواست توسط دفتر آن دادگاه به وسیله مأمورین ابلاغ یا هر وسیله دیگری که ممکن باشد ابلاغ می‌شود و در صورتی که مدعی علیه در مقر دادگاه مقیم نباشد توسط شهربانی یا ژاندارمری یا بخشداری را رئیس خانه انصاف یا کدخدا یا رئیس انجمن ده یا با پست سفارشی دو قبضه ابلاغ می‌شود و اشخاص مذکور، طبق مقررات مسئول

در تأیید این نظر علاوه بر رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور، می‌توان به روح مواد قانون آیین دادرسی مدنی استناد نمود و چنین استدلال کرد که با توجه به مواد مربوط به شرایط دادخواست و اینکه قید اقامتگاه خوانده در دادخواست، یکی از شرایطی است که می‌بایست در دادخواست، به نحو صحیح، درج شود و با امعان نظر به ضمانت اجرایی که مقنن برای آن در نظر گرفته و نیز، وحدت ملاک ماده ۶۹ آیین دادرسی مدنی و روح کلی مواد مربوط به امر ابلاغ، نمی‌بایست قائل به این شد که ابلاغ به شخص خوانده، باید در نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه صورت گیرد.

لذا با توجه به دلایل بیان شده، طبق این نظر، چنین ابلاغی، قانونی محسوب نمی‌شود و نتیجتاً دادرسی که طبق این نوع ابلاغ، صورت می‌گیرد، نمی‌بایست، قانوناً صحیح قلمداد شود.

عده‌ای دیگر از حقوقدانان<sup>۱۱</sup>، بیان داشته‌اند، امتناع خوانده از گرفتن اوراق قضایی، در هر مکانی که مأمور بخواهد به او ابلاغ نماید، استنکاف محسوب می‌شود، اعم از اینکه مأمور ابلاغ به محل اقامت او مراجعه نماید و یا در محل دیگر او را ببیند و هویتش برای مأمور ابلاغ، محرز گردد و مأمور به او تکلیف ابلاغ نماید، اما با این حال خوانده اوراق قضایی را اخذ ننماید.

این عده از حقوقدانان نیز دلیل خاص و قابل قبولی برای اثبات ادعای خویش بیان ننموده‌اند. تنها استاد دکتر متین دفتری<sup>۱۷</sup>، بیان نموده‌اند، شخص خوانده‌ای که از گرفتن

اجرای صحیح امر ابلاغ و اعاده اوراق خواهند بود و در جایی که هیچک از این وسایل نباشد، به وسیله آگهی به ترتیبی که در ماده ۱۰۰ مقررات اقدام می‌گردد، در صورتی که مدعی علیه در بازداشتگاه یا زندان باشد، دادخواست و اوراق دعوی به وسیله اداره زندان به نامبرده ابلاغ خواهد شد. در حال حاضر، ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی جدید، جانشین این ماده شده است.

<sup>۱۵</sup> - ماده ۱۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم: «هرگاه برگ‌های دعوی و پیوستها اتفاقاً در غیر اقامتگاه مدعی علیه به او ابلاغ شود، موعد پاسخ یا رعایت مسافت از محل اقامت او منظور می‌شود.» ماده مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی جدید حذف گردیده است.

<sup>۱۶</sup> - متین دفتری، دکتر احمد، همان، ص ۳۴۶ و ۳۵۰؛ واحدی، دکتر قدرت الله، همان، ص ۷۶؛ احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۲۳.

<sup>۱۷</sup> - متین دفتری، دکتر احمد، همان، ص ۳۵۰.

اوراق قضایی، از مأمور ابلاغ، خودداری می‌نماید، مستحق ارفاق نمی‌باشد. بدین معنا که نایست، از این رهگذر، با عدم صحت این نوع ابلاغ، راهی برای دغل بازی خوانده گشود. لذا ایشان با این استدلال قائل به صحت این نوع ابلاغ شده‌اند.

نتیجه کوتاهی که می‌توان از عقیده این دسته از حقوقدانان گرفت این است که ایشان معتقدند، اگر ابلاغ بدین نحو صورت گیرد و به تبع آن با این ابلاغ دادرسی ادامه یابد، چنین دادرسی قانوناً صحیح تلقی می‌گردد.

### ج: بررسی عقاید

همچنانکه ملاحظه گردید، در خصوص مسأله مذکور، دو نظر وجود داشت: برخی قائل به عدم صحت ابلاغ و برخی دیگر قائل به صحت این نوع ابلاغ می‌باشند، هر چند استدلال گروه نخست که با توجه به آنچه که در تأیید آن بیان داشتیم وضوحی کم و بیش دلنشین از خود بجای می‌گذارد و عملاً زمینه را برای غیر قانونی قلمداد نمودن این نوع ابلاغ، مهیا می‌سازد، لکن کمی دقت در مسئله این تصور را مردود نشان می‌دهد. دلایلی وجود دارد که مؤید نظر حقوقدانانی است که قائل به صحت این نوع ابلاغ می‌باشند و ذهن را به این عقیده که چنین ابلاغی صحیح و از نوع قانونی محسوب می‌گردد، سوق می‌دهد. این دلایل عبارتند از:

۱. در قسمت اخیر ماده ۶۸ آیین دادرسی مدنی که در مقام بیان امتناع خوانده از گرفتن اوراق قضایی می‌باشد، قیدی مبنی بر اینکه ابلاغ «باید در نشانی تعیین شده» در ابلاغ نامه به شخص خوانده صورت بگیرد، وجود ندارد. بنابراین برای مراجعه مأمور ابلاغ به شخص خوانده، هیچ قیدی از نظر مکان وجود ندارد. پس اگر مأمور ابلاغ او را بشناسد، می‌تواند در خارج از اقامتگاه او و هر جایی که دیدن او میسر باشد، مراجعه و امر ابلاغ را انجام دهد.
۲. بر فرض هم، اگر چنین قیدی در خصوص مسأله مورد نظر لازم می‌بود، می‌بایست مقنن همانند ماده ۶۹ آیین دادرسی مدنی که در مورد بستگان و خادمین، قید «باید در نشانی تعیین شده» تصریح کرده است، در ماده ۶۸ آیین دادرسی مدنی نیز چنین قیدی را ذکر می‌نمود. لذا از آنجایی که مقنن در مقام بیان مقررات مشترک امر ابلاغ (بین مخاطب و بستگان یا خادمین او) بوده و

تصریح به اشتراک این قید، در خصوص شخص خوانده نکرده و سکوت در مقام بیان، بیان است، لذا باید بر این بود که مقنن چنین قیدی را در خصوص ابلاغ به خوانده لازم نمی‌دانسته است و الا لزومی نداشت که در ماده بعد (۶۹ آ.د.م) چنین قیدی را بیان نماید تا اینکه از وحدت ملاک آن برای ماده قبل (۶۸ آ.د.م) استفاده نماییم.

۳. اینکه یکی از شرایط دادخواست و الزاماتی که خواهان در زمان تنظیم دادخواست دارد، تعیین اقامتگاه خوانده می‌باشد، بدین علت است که راحت‌ترین راه مراجعه مأمور ابلاغ به خوانده، محل اقامت او است و از این حیث بوده که قانونگذار آنرا لازم شمرده است. بنابراین اگر مأمور ابلاغ در جایی دیگر، غیر از اقامتگاه تعیین شده در دادخواست با خوانده روبرو شود، نظر به اینکه شرط تعیین اقامتگاه خوانده، صرفاً جهت راحتی شخص مأمور در رسانیدن اوراق به خوانده می‌باشد، لذا می‌تواند امر ابلاغ را انجام دهد، هر چند خوانده از گرفتن اوراق قضایی امتناع نماید.

۴. همچنانکه در ابتدای مقاله بیان شد، فلسفه امر ابلاغ «مطلع شدن خوانده»، از اوراق قضایی و اقامه دعوی، جهت مهیا نمودن خود در دفاع از حقوق خود در مقابل خواهان می‌باشد که ماده ۸۳ آیین دادرسی مدنی صراحتاً به چنین امری اشاره دارد؛ بنابراین اگر مأمور ابلاغ، هر چند در خارج از نشانی تعیین شده در ابلاغ نامه، با خوانده روبرو شود و اوراق قضایی را به او تسلیم نماید و او از گرفتن اوراق امتناع نماید، چون مبنا و فلسفه امر ابلاغ محقق شده، یعنی خوانده از دعوی اطلاع حاصل نموده، لذا لزومی ندارد به مانند شعبه سوم دیوان عالی کشور با محقق شدن مبنای ابلاغ، آنرا صحیح تلقی نماییم.

۵. نظر به اینکه هیچ قیدی مبنی بر اینکه ابلاغ نامه باید در نشانی تعیین شده به خوانده ابلاغ شود، وجود ندارد و با توجه به فلسفه امر ابلاغ که مطلع شدن مخاطب از امر ابلاغ می‌باشد، نتیجتاً این قاعده استنتاج می‌شود که مأمور ابلاغ می‌تواند در هر مکانی که خوانده را ببیند، اوراق را به او ابلاغ نماید. پس اصل بر این است که ابلاغ در هر مکانی می‌تواند صورت بگیرد، مگر اینکه قیدی در قانون صراحتاً آنرا مقید نماید. لذا اگر در جایی شک نمودیم که آیا چنین قیدی

- وجود دارد یا خیر، با توجه به اصل عدم وجود امر زائد، بایست قائل به عدم وجود چنین قیدی شویم و به اصل رجوع نماییم.
۶. ابلاغ، طریقت دارد نه موضوعیت. به عبارت دیگر ماهیت ابلاغ طریقی است نه موضوعی، یعنی آنچه در امر ابلاغ حائز اهمیت است، اطلاع یافتن طرف ابلاغ، از اوراق قضایی می‌باشد. لذا خصوصیتی در ابلاغ وجود ندارد، بلکه طریقی برای مطلع نمودن طرف دعوی است. پس می‌توان ابلاغ را به هر نحو ممکن و در هر مکانی با لحاظ شرایط قانونی خاص خود به انجام رسانید.
۷. شخصی که از گرفتن اوراق قضایی امتناع می‌نماید، در حقیقت و باطن امر، کسی است که در برابر حکم قانون و مقامات قضایی مقاومت می‌کند و استحقاق هیچ گونه مراعات و ارفاقی را ندارد و باید در مورد ممتنع قانونی، قبول و نکول او را یکسان فرض کرد.<sup>۱۸</sup>

### نتیجه

با توجه به مطالبی که در دو گفتار بیان گردید، قاعدتاً و علی‌الاصول ذهن به این سو گرایش پیدا می‌نماید که بایست پا به پای حقوقدانانی باشیم که چنین ابلاغی را صحیح تلقی نموده و خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌دانند. اینکه ابلاغ در محل تعیین شده صورت نگرفته و در نتیجه چنین ابلاغی صحیح نیست، هر چند مطالعه زود گذر مواد قانونی، چنین امری را ممکن نشان می‌دهد اما دقت بیشتر نادرستی این تصور را با توجه به مواد قانونی و اصول قواعد حقوقی روشن می‌نمایاند.

لذا، نظر به اینکه فلسفه امر ابلاغ، همچنانکه قبلاً بیان گردید، اطلاع مخاطب از اوراق قضایی است، که این امر به صراحت در ماده ۸۳ آیین دادرسی مدنی بیان شده و از آنجایی که مأمور ابلاغ شخص مخاطب را دیده و هویثش برای او محرز شده و به امر ابلاغ مبادرت ورزیده، هر چند خواننده از اخذ اوراق قضایی امتناع نموده، این نتیجه حاصل می‌شود که چنین ابلاغی، به حق بایست از نوع ابلاغ قانونی محسوب گردد.

<sup>۱۸</sup> - متین دفتری، دکتر احمد، همان، ص ۲۵۰.